صدمین سال تولد شادروان وحید دستگردی

بیضائی، نعمت الله

یاد سال هزار و سیصد و هفت‏ هر دمم در دل انبساط آرد خاطرات گذشتهء شیرین‏ آری آرامش و نشاط آرد

اندرین سال آشنا گشتم‏ با یکی اوستاد فضل و هنر شاعری راد و عالمی تحریر بفضیلت بحسن خلق سمر

داشت بزمی چو روضهء رضوان‏ گرد او جمعی از فحول ادب‏ همچو خورشید و ماه میتابید بر جهان ادب بروز و شب

نام نیکش وحید و جامع بود در ادب آنچه بحث میفرمود داشت در علم و فضل دستی باز گرچه از دستگرد آمده بود

او در آنروز بود سالی چند که بطهران گرفته بود مکان‏ خیمهء جاه و فضل و فن زده بود کنده از اصفهان در این سامان

مینوشت او مجله‏ای مطبوع‏ ارمغان نام نامی آن بود درسی از خلال اوراقش‏ آفتاب کمال تابان بود

ارمغان بود روشن آینه‏ئی‏ از سخندانی و کمال وحید جنگی از نظم و نثر عالی بود ارمغان خجسته فال وحید

مجمعی بودش از ادب‏خواهان‏ بنظامی گنجوی منسوب‏ بود این انجمن بهمت او واجد وزن و رتبتی مطلوب

بس کتاب نفیس و ارزنده‏ داشت بر اهل فضل ارزانی‏ طبع و تصحیح و نشر هریک را بود خود عزم عالیش بانی

خدماتی که آن بزرگ ادیب‏ در ره نشر و فضل و دانش کرد می‏نشاید بخامه‏ای عاجز در خور پایه‏اش ستایش کرد

بود اینک ز دورهء قمری‏ صدمین سالگرد میلادش‏ یاد خیری ازوست یاد آنرا همه فرزندها و احفادش

خاصه سیف الله وحید نیا خوش سیر زادهء برادر او آنکه همواره ذکر خیر کند زان مهین عم و از مآثر او

مر مرا درک فیض محضر او مایهء فخر و اعتبار بود با منش لطف بی‏نهایت بود مورد لطف کردگار بود

نیست زین بیش قدرت گفتار بندهء ناتوان ذکائی را هیچ از یاد من نخواهم برد این ثمربخش آشنائی را

انخداوند قادر غفار داد او را قرین رحمت خویش‏ آنکه سر تا بپا محبت بود همه‏اش داد با محبت خویش